



عنوان رسالت

مرزا جهان گیر خان شیرازی و  
مرزا قاسم خان تبریزی

طهران نزدیک امامزاده یحیی

کوچه مسجد فاضل خلخالی

دیرو نکارنده میرزا علی اکبر خان قزوینی

پنجشنبه ۲۴ محرم ۱۳۲۶ هجری قمری

فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ

هتنگی سپاسی تاریخی اخلاقی ، مقالات و لواجمی

که موافقت با مسلک ما داشته باشد با امضا پذیرفته

میشود در طبع و عدم طبع اداره مختار است ،

یا کتبه‌ای بدون [ نمبر ] قبول نخواهد شد ،

وجه آئونه از هر کس و از هر جامه‌متا گرفته میشود

قیمت اشتراك سالانه

طهران دوازده ( ۱۲ ) قران

سایر بلاد ایران هفده ( ۱۷ ) قران

ممالک خارجه دو ( ۲ ) تومان

قیمت تک نمره

طهران چهار ( ۴ ) شاهی

سایر بلاد ایران ( ۵ ) شاهی

اعلام

۱) ضامن وجوه آئونه مشترکین صور اسرافیل در بلاد

داخله و خارجه وکلای محترم اداره اند .

۲) اجرت اعلان سطری دو قران ، در صورت تکرار

تخفیف داده میشود .

۳) اگر تا انتشار شماره ۲۶ وجه اشتراك اوراق صور

اسرافیل را وکلای عظام اداره نپردازند دیگر روز نامه

بجبهه آنان ارسال نخواهد شد و قیمت ۲۶ نمره را که

بدهی ایشانست گرفته میشود .

۴) مشترکین کرام طهران که بدون اجبار طالب اشتراك

این جریده شده اند امید است که پس از توزیع این نمره

وجه آئونه را پرداخته و قبوض چاپی مهور به مهر اداره

را دریافت دارند زیرا که اگر سوای قبض مزبور را

موزعین داده اند باطل است .

۵) وکلای کرام ( و مشترکین محترم ممالک خارجه که

راساً از اداره قبول اشتراك نموده اند ) وجوه آئونه را

برات ارسال نمایند زیرا که مسکوکات و [ اسکناس ]

را در پستخانهای سرحدی مملکت روسیه مقرر میکنند

تا قبوض امضا شده صاحبان وجوه را از بلاد داخله

اداره پست ایران بدآنجا بفرستد و بعد از چند ماه مطلق

مبلغی صاحبان پول بدهند و آن وجوه را دریافت نمایند

( این سخت گیری و رفتار غیر منصفانه هم مثل سایر

مواد معاہدات ما با سایر دول است که ابواب سعادت و

ترقی را بر روی مات بپارده بسته ! )

۶) از مشترکین عظام بلاد داخله که راساً

از اداره قبول آئونه نموده و تا کنون وجه اشتراك را

نداده اند متنی است برات یا [ نمبر ] ارسال دارند .

۷) از شماره اول تا نمره اخیر صاحبان اشتراك طهران

را اداره مرتباً بموزعین تحویل داده اگر بعضی نمرات را

نرسانیده اند جداً از آنها مطالبه نمایند .

در تمام دنیا هر جا که طبقات رعایا و کارگر راحت  
 نرند بهمان نسبت هم احترام کار در انظار بیشتر ، طبقه  
 کارگر زیاد تر ، اهالی به تحمل زحمت و رنج بری  
 راغب تر ، و مملکت نیز آبادتر است ، و بعکس در  
 آنها ها که برای يك نفر ممکن است که از محصول زحمت  
 دیگری زندگی کند و خود از مسئولیتهای حیات و  
 تکالیف هیئتی شانه خالی نماید ، کار بی شرف ، عده  
 کارگر کم ، مردم بقبول مشقت کاری رغبت و مملکت  
 نیز دچار فقر ، فاقه ، ذلت و مسکنت است .  
 البته مشترکین محترم میدانند که مقصود ما ازین اطالعه  
 کلام آن نیست که صاحبان املاک یکباره از حقوق  
 مالکیت و قیمت اراضی خود بی بهره بمانند و رعیت  
 بکلی از ادای حق اربابی معاف باشد چه اینمغنی اگر در  
 سایر ممالک امکان پذیر باشد در مملکت ما گذشته از آنکه  
 عجالتاً مایه اغتشاش موقتی خواهد شد ، قوانین محکم اسلام  
 نیز با اینمغنی بطور کلی اجازه نداده و محرومی صاحبان املاک  
 را دفعاً تضویب نمی کند .

اما چنانکه سابقاً هم گفته ایم قواعد همین دین مبین و اصول  
 فقهی همین مذهب قویم عمل مزارعه یعنی قرار داد  
 ارباب و رعیت یا کارگر و صاحب سرمایه ( مضاربه )  
 را داخل در عنوان معاملات و در معامله نیز تراضی طرفین  
 را شرط صحت عمل قرار داده است . و همین معنی بما  
 آشکاری نمایاند که بموجب احکام محکمه اسلام رعایای ایران  
 يك روز حق دارند که با صدای واحد در مقابل کروورها املاک  
 عدم رضایت خود را از این معامله و مواضع کتوی  
 خود فریاد کنند ، و استرداد حقوق مقصوبه طبیعی  
 ترضیه خاطر خویش ، و رفاه معیشت و بیچاره آخری  
 تخنیف حقوق اربابی را با نوك بیلهای خود مطالبه نمایند .  
 تا آسایش رعیت و کارگر در ایران پیش رود ترقی  
 این مملکت بشهادت حس و تجربه و علم میسر نخواهد شد  
 تمام اقدامات هوا خواهان ترقی ایران ، تمام سعی  
 و کوشش طرفداران علو اسلام ، و کلمه جد و جهد  
 عاشقین اصلاحات جدید با این وضع بد بختی حاله رعیت  
 های ایران کلمه بی اثر ، و عنقریب به يك یأس و نا  
 امیدی محیر مبدل خواهد شد .

بنیای اولین اصل اصلاحات همان آسایش قسمت عمده

اهالی مملکت و ترویج هر قسم قانون تازه بعد از اطمینان  
 هر صاحب حق از حق خود میباشد .  
 البته هیچوقت تدین ، انصاف ، و مبنای روی  
 يك نفر مسلمان محرومی ارباب را از کلمه حقوق خود  
 اجازه نمیدهد ، لیکن بهیچ نوع تعبیه و چشم پوشی  
 نمیتوان انکار کرد که امروز که روز اشاعه عدل ، اجرای  
 احکام اسلام و خواستههای ازلی الهی است ، اشک  
 های خونین رعایا ، و شکمهای گرسنه و ابدان عوررنج  
 برهای مملکت در زیر آفتابهای سوزان هر مزرعه ،  
 سورت سرمای هر کلبه دهقانی ، و فقر و مسکنت هر  
 آلاچیق بنیادای جان شکاف ، رحمت و شفقت  
 هر حاکم دوله خواه ، هر وزیر معدلت تخمیر ، هر  
 مجتهد مسلمان دوست ، و هر وکیل نوع پرست را  
 با هزاران تضرع و اشتهال برای تخنیف حقوق  
 اربابی و تقویت حال رعیت مطالبه می کند .

احساس همین مظلومیت و درک همین اصل اصل  
 ترقی و اولین شاهکار بقا و توسعه هیئت بود که وکلای  
 [ دوما ] ی اول روس را با يك وله عشق و شهنمگی بی  
 ملاحظه و ادار کرد که بموجب وضع قانونی جدید خالصه  
 های دولتی و املاک کلیسا و ملاکین را برعایا تقسیم و  
 واگذار نموده حق را بحقدار و نتیجه و حاصل زحمت  
 را به رنج بران تقسیم نمایند .

تفصیل عقاید وکلای مجلس [ دوما ] و وقایع حادثه  
 یارسال روسیه هر چند مناسبت نامه با عقاید کتوی ماندارد  
 لیکن شرح آن برای توسعه افکار یاره از مشترکین عظام  
 خالی از فائده نیست .

پس از آنکه وکلای دوما ی روس را که اعقل و اعلم  
 ملت بودند بعد از آنهمه فدا کاریهای مردم انتخاب نمودند  
 در هر ایالت و ولایت و ناحیه روسیه هنگام حرکت آنها را  
 بحماییت ضعفا و فقرای مملکت و تحصیل آزادی و طرفداری  
 رعایا و کارگر قسم داده و قول شرف گرفتند .

وکلای مزبور پس از وصول به [ پترزبورغ ] و  
 دخول در مجلس شوری نظر بمعلومات شخصی خود و  
 نظر باطلاعات کامله از مقتضیات عصر و نظر به آن تضرع  
 و اشتهالهای موکلین مظلوم و از دست رفته خود مسئله  
 تقسیم اراضی را پیشنهاد کرده و در این باب رای دادند

امنای دولت که تمام شئون و اعتبارات خود را به خوردن خون مظلومین یعنی حاصل زحمات رنجبران مبدیدند بقبول اینمعنی تن نداده و دولت دفته اول این تکلیف [ پارلمانت ] را رد نمود ، ولی وکلای ملت پرست روس باین رد قناعت نکرده دفته ثانی اجرای رای خود را جداً از دولت خواستگار شدند ، دولت وقتی که اقدامات جدی وکلا را در پیشرفت این قانون ملاحظه نمود برای سد این اولین قانون آزادی رعیت دوما را منفصل نمود .

وکلا که دوما را منفصل دیدند محض ادا آخرین تکلیف مسئولیت ملی خود در ایالت [ فنلاند ] در شهر [ ویبورگ ] اجتماع نموده لایحه ذیل را بموکلین خود اعلان نمودند :

ای اهالی کل روسیه ! بر حسب حکم ۸ [ اول ] دومای دولتی منفصل شده و بر هم خورد .

وقتی که شما ملت ما را بشماستدگی انتخاب مینمودید بما سفارش دادید که برای شما آزادی و زمین تحصیل کنیم ، ما نیز برای سفارشهای شما که موکلین ما می باشیم و برای قرض مقدس و مسئولیت وجدانی خودمان قوانین مخصوصه برای استحکام حریت ملت وضع کردیم و خواستیم که وزرای خود سری که بدون هیچ مجازات بر خلاف قانون حرکت مینمایند و فشار بر آزادی ملت می آورند از کار خلع شوند .

و پیش از آن قانونی وضع کردیم که بموجب آن زمینهای خالصه و کلیسا و ملاکین مجازاً برعایا واگذار شود .

لیکن دولت از اجرای آن استنکاف نمود ، و وقتی که دوما در دفته دوم جداً اجرای رای خود را مطالبه کرد دولت انفصال دوما و اخراج نمایندگان شما را اعلان داد .

بجای این دوما دولت وعده میدهد که بعد از هفت ماه دومای دومی انعقاد نماید ، یعنی دولت میگوید : در موقعبکه ملت نزدیک بانهدام است ، در موقعبکه تجارت و صنعت در مملکت قریب باضمحلال است ، در موقعبکه تمام مملکت در هرجان و منقلب است ، و در موقعبکه [ کابینه ] وزرا عدم قابلیت خود را در رفع احتیاجات

ملت آشکار کرده اند باید مملکت روسیه درست هفت ماه تمام بی مجلس ، و ملت بی نماینده بماند .

بلی در مدت این هفت ماه دولت خود سر رفتار خواهد کرد و با هرجانهای ملی خواهد جنگید تا وقتی که دومای مطیع و منقادی برای خود تحصیل کند ، و یا اگر تمکینش شود بکلی از هرجان ملت جلوگیری نمود .

دوما را بطور همیشگی تعطیل نماید .

ای ملت روس در مقابل این اقدام جابرانه برای استرداد حق انتخاب خود محکم بایستید ، در برابر این انفصال برای انعقاد دومای خود جداً مقابلی نمائید .

دولت روسیه باین وضع ، حالبه نباید بگروزی-بعوثین ملت زندگی نماید .

خود شما راه رسیدن باین مقصود را مبدانید : در سلطنت مشروطه دولت بدون رضایت و تصویب وکلای ملت حق مطالبه مالیهات و سرباز ندارد ، حالا که دولت دوما را منفصل نموده شما هم حق دارید که سرباز و پول بدهید ، در صورتی هم که دولت برای رفع احتیاجات خود بخواهد قرض مجددی بنماید این قرض هم که بدون رضایت و تصویب نمایندگان ملت میشود از امروز ناصحیح و غیر مشروع است ، و ملت روس هیچوقت آنرا قبول نموده و یک دینار آنرا نیز ادا نخواهد کرد .

ملت روسیه تا انعقاد دومای دوم يك شاهي بجزانه و يك سرباز ب نظام مقروض نیست و نخواهد داد .

در اجرای مقصود مشروع خویش محکم باشید ، و مانند نفس واحد با کله مستقیمه واحده در پیشرفت حقوق مسلمة خود سعی نمائید ، همه قدرتهای دنیا در مقابل قدرت اتفاق ملت هما و بی اثر است .

ای هموطنان هر چند این جنگ اجباری است لیکن لازم و ناگزیر است ، و از اینرو نمایندگان شما هم بشما خواهند بود .

با امضای قریب دویست نفر از وکلا

( بقیه دارد )

بشارت

جناب میرزا سید ابراهیم خان پسر آقا میرزا سید

جواد تفرشی که سالها در طهران مشغول تحصیل داخله و خارجی بودند ، و دوره های صرف و نحو و معانی و بیان و حکمت را در همین پای تخت کامل نموده مدت هشت سال بود که برای تحصیل حقوق و فلسفه جدید به [ بیروت ] و [ اکس آن پروانس ] فرانسه سفر کرده در آنجا ها نیز با کمال جد و جهد تحصیلات خود را بر وفق دلخواه با آخر رسانده و [ دیپلوم ] های صحیح تحصیل کرده اند ، اینک که چند روز است بطهران مراجعت کرده و دیده هموطنان را بپورود مسعود خویش روشن نموده اند جای آنست که وزرای معظم و سران کاردان وجود این جوان عالم مذهب را مقتنم شمرده نگذارند که این وجود نفیس نیز مانند بسیاری از دانشمندان دوره استبداد عاطل بماند ، و عجزاً اعضای اداره صور اسرافیل با کمال شغف بپورود ایشان تبریک بپوشند و سعادت و توفیق خدمت ایشانرا از خدا میخواهند .

✽ تشکر ✽

از فرار اطلاعات اخیر که از آذربایجان داریم بتازگی جناب دانش پژوه وطن پرست آقا میرزا محمد علیخان آذربایجانی مؤسس کتابخانه تربیت تبریز با کوششهای مجدانه انجمن های محترم بلدی و اتحاد و معارف را در آنجا برای تکمیل معنی مشروطیت و حفظ اساس مقدس شورای ملی و ترویج علوم و معارف که منبع ترقیات بشری است منعقد نموده اند . امید است که عنقریب نتایج مفیده آن مجامع گوشزد خویش و بیگانه شود و امثال اینگونه هوا خواهان آزادی و دانش را در وطن ما زیاد نماید .

✽ بقیه تنظیم علماء و سادات قصبه زنوز آذربایجان ✽

( جواب وزارت داخله بمجلس شوری ۱۰ رجب )  
( ۱۳۲۵ نمره ۲۶۳۰ )

مراسله مورخه غره رجب ۱۳۲۵ که متضمن ارسال سواد عریضه سادات و اهالی زنوز آذربایجان در نمره ۴۵۶۳ و مشعر بر شکایت از مرتضویها بود زیب و عیون بخشید ، چون قبیل از وصول عریضه آنها توسط مجلس محترم شورای ملی تلگرافاً هم شکایت کرده اطلاعات وزارت امور خارجه و ادب السلطان را بر حقیقت خودشان در عریضه تلگرافی درج نموده بودند ، مراتب از

وزارت خارجه بمحقق شد . وزارت امور خارجه حقیقت آنها را تصدیق کرده بلیات آذربایجان رجوع گردید که باطلاع کار گذاری و احکامی که در دست آنهاست احقاق فرمائید ، ( وزارت داخله )

✽ تلگرام از مرند بطهران نمره ✽

✽ پنجم ۲۰ ذیحجه ۱۳۲۵ ✽

مدرسه صدر ، جناب آقا سید اسدالله باستان مقدس دارالشورای کبری ، وکلای آذربایجان ، تقی زاده ، مستشارالدوله ، آقا میرزا فضلعلی آقا ، انجمن آذربایجان ، مجمن مجاهدین قزوین ، جبل المتین ، صوراسرافیل ، رهنا ، افسادات مرتضویهای طهران و تبریز ظاهر ، با حکم دارالشورای کبری وکلای مایحارکان از هر معبر عازم سوارهای سرحد مانع !! یکتفر و کپل ما برگشت به تبریز محبوس !! امان امان ای مسلمین ده هزار نفوس علماً و سادات شب و روز در خوف خطیر برای آمدن وکلای ما امداد . ( موسی الحسینی ، غنی الحسینی )

✽ ایضاً ✽

( نمره ۶ ) ۲۸ ذیحجه ۱۳۲۵

مدرسه صدر ، توسط جناب آقا سید اسدالله باستان مقدس دارالشورای کبری ، ما ملت مظلوم تصدق امنای ملت اما امنای ملت به آمدن وکلای مرتضوی در مرکز گرفتاری بلکه قتل وکلا معاونشان تدبیر قتل و غارت !! اطفال و نسوان در وحشت !! بحق اسلام امداد . ( اهالی زنوزه ، ستار ، موسی ، خلیل )

✽ اخبار خارجه ✽

✽ نقل از شماره ۸ سال دوم جریده شریفه ارشاد ✽ در همین اوقات جمع کثیری زن و دختر شهر لندن برای مطالبه حقوق سیاسی طبقه نسوان در اطراف خانه رئیس الوزرای دولت انگلیس ازدهام کرده و بنور میخواسته اند داخل خانه او بشوند ولی اجزای نظمی مانع شده اند ، در همان روز هبت وزرا در دربار در آن خصوص یعنی داخل شدن زنها دربار لمان و حق وکالت و وزارت داشتن آنان گنگوی زیاد نموده اند و [ مستر آسکبت ] وزیر مالیه تصویب نموده

و قتیکه از در بار خارج شد. خا همای مزبور بکالسه که او همراه برده  
و تا توانسته اند اورا زده اند آخر الامر پولیسها نجابتش داده اند

﴿ ایضاً ﴾

اهالی ( آناطولی - آسیای صغیر ) و قسمت شرقی  
مملکت ترکی ( عثمانی ) بملت کثرت اصل و عبارض مالیات  
واجحاف و فشارهای ظالمانه مأمورین دیوان بتسک  
آمده و بر آنها شوریده اند .

در بعضی نقاط دیگر آنجا برای آزادی و تغییر وضع  
جمع کثیری دم از مشروطیت زده بخصوص مردمان  
[ ون ] از ادای مالیات و قبول تحکیم عمال سلطنت  
بکلی میخواستند خود را خارج کنند و با بحال زدو خورد  
های زیاد با قشون دولتی نموده اند و رشادتهای فوق العاده  
بروز داده و همتتصد نفر منقول و صد و شصت و پنج  
باب خانه خراب شده !!

﴿ تلگرام قزوین بطهران شماره ۲۳۶۷ ﴾

﴿ ۲۳ محرم ۱۳۲۶ ﴾

حضور امنای محترم انجمن های آذربایجان ، مظفری  
، برادران امام زانه یحیی ، برادران دروازه قزوین  
، شاه آباد ، لاریجانبها و مدیر روز نامه مقدس  
صور از وقتی که ما بطهران آمدیم برای فدا شدن  
مجلس مقدس و آن برادران عزیز حکومت بنای تعدی را  
گذاشته ، بعد از مراجعت این فدائیان مطلع شده  
در حضور وکلای محترم گیلان استنطاق کردیم که تمام را  
حکومت اقرار نمود ، هر چه بطهران عرض میکنیم  
معزولش نمینمایند ، او هم با جمعی از مستبدین همدست  
ولایتقطع به مجاهدین و کسان آنان تعدی و اذیت مینمایند  
!! آخر ما هم برادران شما هستیم !! استدعا داریم  
شر این ظالم را از سر ما بیچارگان کم نمائید ؛

﴿ انجمن مجاهدین قزوین ﴾

﴿ بیمارستان همت ﴾

بیمارستان همت در خیابان ناصر به با اتحاد و اتفاق این  
فدویان ملت حاج منصور الحکما و دکتر ابوب خن و  
دکتر ارسطو خان نواده حکیم مبین صاحب [ دیلم ] از  
مریضخانه آمریکائی که سه سال نیز در مریضخانه

روس مشغول طبابت بوده با تمام اسباب و لوزم جراحی  
و کتالی و بردادی و قابلیت تأسیس شده ، و تا پنج  
تخت از مرضای فقیر رایگاناً نگاهداری و معالجه و غذا و دوا و  
پرستاری میشود ، در صورت کثرت مرضی و لزوم معالجه فوری  
تا ده مریض نیز پذیرفته خواهد شد ، زائد بر این  
بیست تخت، دیگر هم داریم که هر کس مبتلا بمرض  
جراحی باشد در صورتیکه مخارجش را خودش متحمل  
شود نگاهداری میشود ، و نیز مریض هرگاه زن باشد  
باید بکسفر از اقوام آن زن همراهش باشد تا نگاهداری  
شود ، دیگر آنکه هرگاه یکی از اطبای محترم مریض  
جراحی داشته باشند میتوانند مریض خود را به بیمارستان  
آورده در صورت ماهر بودن خودشان عمل مینمایند و ما  
نیر بقدر مقدور در خدمت و کمک حاضر میشویم و گرنه  
در صورتیکه اجازه فرمایند در حضور خودشان بعمل  
خواهیم پرداخت ، و علاوه بر این دکتر ابوب خان  
شخصاً هم روزها تاظهر در بیمارستان مزبور محکمه دارند  
و برای معالجه اشخاص خارج مریضخانه نیز حاضر میباشند .

﴿ خلاصه مکتوب شهری ﴾

این مطلب از بدیهیات اولیه است که علت تامه  
حرائد اجرای قانون است که هر فردی از افراد انسان  
بتکلیفی که مکلف است ، و مقتضای حال و کار اوست  
رفتار نموده و هرگز یا از جاده صداقت و راستی که وظیفه  
انسانیت است بیرون نهد .

پس بر شهادت که اگر یاردم سائیده یای جلادت بمیدان  
دزدی نهد و دست تعدی بتاراج و غارت اموال مسلمانان  
دراز کند بیخبران را خبردار نمائید تا دچار خسارات فوق  
العاده نگردند ، سنا علی هذا چندین ماه قبل يك لنگه  
بار متعلق به بنده را کربلائی احمد نام مکاری شیرازی  
معروف ( برادر کربلائی باشی ) بتوسط یکی از  
اعیان گرفت که به شیراز حمل نماید ولی در این ایام معلوم  
شد که همان روز بعد از آنکه معادل ۲۵ تومان اشیا  
آنها برداشته در سرای امین السلطان نزد آقا حیدر  
علی نامی کا و انرا دار آن بسته را به مبلغ بیست و پنج تومان  
گرو گذارده و رفته ( بنده و شخص ضامن و سایرین  
چگونه در زحمت و صدمه افتاده ایم بماند ) و از قریار

مسموع این اول کار او نیست ( لیس اول قاروره کسرت فی الاسلام ) نیست این شیشه اول که در اسلام شکست . مقصود اینست که نجار محترم طهران و اصفهان و شیراز و بوشهر و غیره این شخص دزد دغل را بشناسند و امین اموال خویش بدانند ، حکم مجازاتش را نیز از وزارت تجارت خواهانیم ، اقل السادات فرصه الدوله شیرازی

## چرندک پرنده

✽ ادبیات ✽

رؤسا و ملت

خک ب سرم بچه بهوش آمده !

مخواب نه نه بکسر دو گوش آمده

گریه نکن لو لوی آد مبخوره !

گریه می آد بز بزی ره می بره

اها اها - آخر نه نه چته ؟ - گشتمه -

بتره کی اینهمه خوردی که ؟

چخ چخ سکه نازی پشی پیش پیش

لالای جونم گلم باشی کیش کیش

از کشنگی نه نه دارم جون مبدم -

گریه نکن فردا بهت نون مبدم

ای وای نه نه جونم داره در میره -

گریه نکن دیزی داره سر میره

دستم آخش به بین چلو بخ شده -

تف تف جونم به بین به اخ شده ! ! !

مرم چرا انقده چرخ می زنه ؟ -

توی سرت شی پیشه چای کنه

خخ خخ . . . . جونم چت شد ؟ - هاق هاق . . . . -

وای خاله ! چشمش چرا افتاد بطاق ؟

آخ تشم بیسا به بین سرد شده

رنگش چرا خاک بسرم زرد شده

وای بچم رفت ز کف رود رود !!!

ماند بمن آه واسف رود رود ! ! !

معانی بیان

امان از دوغ لیلی ماستش کم بود آبش خپلی

خلاف عرض کنم ؟ شاید در مفتاح شاید در تلخیص شاید در مطول و شاید در حدائق السحر درست خاطر م نیست يك وقتي بهخوردیم

ارسال المثل و ارسال المثلین

بعد پشت سر این دو کلامه صاحب کتاب مینوشت که ارسال المثل استعمال نظم یا نثری است که بواسطه کمال فصاحت و بلاغت گوینده حکم مثل پیدا کرده و در السنه خواص و عوام افتاده است ؛ من آنوقتها همین حرفها را میخواندم و بهمان اعتقاد قدیمها که خیال میکردند هر چه نوی کتاب نوشته صحیح است من هم کان میکردم این حرف هم صحیح است ، اما حالا که کمی چشم و گوشم وا شده ، حالا که سر و گوشم قدری میجنبند و حالا که تازه سری نوی سرها داخل کرده ام میبینم که بیشتر از آن حرفهای هم که توی کتاب نوشته اند پر و پای قرصی ندارد ، بیشتر آن مطالب هم که ما قدیمها محض همینکه توی کتاب نوشته شده ثابت و مدال میدانستیم پاش بجائی بند نیست .

از جمله همین ارسال المثل و ارسال المثلین که توی کتابها مینویسند استعمال نظم یا نثری است که از غایت فصاحت و بلاغت مطبوع ضیاع شده و سر زبانه افتاده ، مثلا بگیریم همین مثل معروف را که هر روز هزار دفعه میشنوم که میگویند :

امان از دوغ لیلی ماستش کم بود آبش خپلی

وقتی آدم باین شعر نگاه میکند می بیند گذشته از اینکه نه وزن دارد و نه قافیه يك معنای تمامی هم ازش در نمی آید ، و از طرف دیگر می بینیم که در توی هر صحبت می گنجد در میان هر گفتگو جا پیدا می کند یعنی مثلا بقول ادبا مثل سابر است .

مثلا همچو فرض کنیم جناب امیر بهادر جنگ چهار ماه پیش می آید مجلس بهداز یکساعت نطق غرا قرآن را هم از جیبش در می آرد و در حضور دو هزار نفر در تقویت مجلس شوری قرآن قسم میخورد و سه دفعه هم محض تأکید بزبان عربی فصیح میگوید عاهدت الله خاطر جمع ، عاهدت الله خاطر جمع ، عاهدت الله خاطر جمع ، و بعد یکماه بعد از این معاهده و قسم آدم همین امیر بهادر جنگ را می بیند در میدان

تویخانه که برای اهدام اسامی شوری با غلامهای کشتک  
خانه ترکی بلغور میکنند و با ورا مینبها فارسی آرد ،  
آنوقت وقتی آدم آن نطفهای غمرا می درقویت مجلس  
و آن قسمها مفاظه ایشان در انجمن خدمت بیادش  
می افتد بی اخته یار میخواند

امان از دوغ لیلی ماستش کم بود آتش خبلی

یا مثلا بگیریم امیر اعظم سه ماه از کار هر روز در عمارت  
بهارستان مردم را دور خودش جمع می کند و با حرارت  
[دمستن] خطیب [آطن] [میرابو] گوینده فرانسه در  
حقیقت و منافع آزادی صحبت می نماید ، و بعد بفاصله  
دو ماه از رشت بطهران اینطور تلگراف می کند :

( قربان خلك بای جوامر آسانی مبارکت شوم ، تلگرافات  
از طرف غلام و از جانب ملت هر چه میشود رسمانه  
است ( یعنی قابل اعتنا نیست ) گبلان در نهایت انتظام  
بازارها باز مردم آسوده بجای خود هستند ( یعنی من  
در دیوانخانه نطق کرده ام که با دیگر مجلس بهم خورد  
هیچوقت هم بر پا نخواهد شد بروید سر کارهاتان  
بکاسی تان بچسبید يك لقمه نان پیدا کنید از این مشروطه  
بازی چه در می آید ) خاطر مهر مظاهر هایونی ارواحنا  
فداء از اینطرف بکلی آسوده باشد غلام خانه زادتکالیف  
نوگری خود را میداند ( یعنی از هر طرف که بادش  
می آید بادش میدم ) ( امضا امیرسرباز )

اینجا هم آدم وقتی آن جانبازهای امیر اعظم در راه  
ملت بیادش می افتد می بیند فوراً بخاطرش میگذرد که  
امان از دوغ لیلی ماستش کم بود آتش خبلی

یا مثلا حضرت والا فرمانفرما جلو اطاق شوری روبروی  
ملت می ایستد و بلچشم های اشک آلود و گلوی بغض  
گرفته باواز حزین بملت خطاب میکند که ( ای مردم  
من میخواهم بروم به ساوجبلاغ و جانم را فدای  
شماها بکنم ) بعد در عرض بیست روز دیگر می بیند در  
قلمرو حکمرانی همین حضرت والا ارجندی نصره الدوله  
پسر خلف ایشان دوازده نفر تخت و عور و گدا  
و گرسنه کرمان را بضر ب گلوله بخاک هلاک می اندازد .  
اینجا هم آدم وقتی آن فرمایشات بی ریای حضرت  
والا فرمانفرما بنظرش می آید بی فاصله این شعر هم از  
خاطرش میگذرد که

امان از دوغ لیلی ماستش کم بود آتش خبلی  
یا مثلا آدم بکروز حضرت اب المله آقای سعد الدوله را  
در یازمانت ایران مشاهده می کند که از روی کمال  
ملت پرستی می فرماید ( از اینکه سعد الدوله را بکشند  
چه ترسی دارم در صورتیکه از هر قطره خون من  
هزار سعدالدوله تولید می شود ) خدا توفیق بدهد  
شیخ علی اکبر مسئله گو را می گفت شیطان هر وقت  
پاهات را بهم می مالد هزار تا تخم شیطان ازش پس می افتد  
باری از مطلب دور نیستیم .

بعد از آن آدم بفاصله چهار پنج ماه همین سعد الدوله را  
می بیند که به تغییر سلطنت مشروطه به مقتنه رای میدهد  
آنوقت آدم وقتی که آن قطره های خون ساف یادش می  
آید خواهی نخواهی میگوید :

امان از دوغ لیلی ماستش کم بود آتش خبلی

یا مثلا آدم بیکوقت سپه جلال شهر آنوب را می بیند  
که در لشته نشای امین الدوله سنگ رعایای گرسنه را بسپه  
می زند و در مجلس امیر اعظم چهل و پنجروز تمام مجرم  
مشروطه ضلحی شپش قلبه می کند و ده روز بعد از  
خلاصی هم از ستونهای عمارت بهارستان بالا رفته جای  
غل جامعه را در پا و گردن مردم نشان داده تمام  
مسلمهای دنیا را برای داد خواهی از امیر اعظم به کمک  
میخواهد آنوقت چند روز از اینقدمه میگذرد که  
يك شب با همان امیر اعظم مثل دخو خلوت  
میرود ، در اینوقت هم آدم باز و قتیبه آن  
فرمایشات دل شکاف آقا و آن حدت و حرارت انتقام  
بیادش می افتد بدون اراده این شعر بخاطرش می آید که

امان از دوغ لیلی ماستش کم بود آتش خبلی

همچنین يك وقت آدم صدرالانام شیرازی و میرزا  
جواد تبریزی را می بیند که از غم ملت آتش و لاش شده اند و در سر  
هر کویچه و در توی هر مسجد و میان هر انجمن فریادوا امتا  
میزنند آنوقت بعد از مدتی یکی با یانصد تومان مؤسس  
انجمن فتوت و ترقی خواهان ( یعنی بی دینها ) میشود دیگری  
با ماهی شصت تومان بقیچه کتی پسر های قوام الملك را  
بگردن گرفته زینت افزای ایالت فارس می گردد اینجا هم  
وقتی آدم آن سوز و گداز های صدرالانام و میرزا جواد  
بیادش می افتد و آنچه فداکارهای صوری و لافهای

وطن پرستی و مات دوستی که بنظرش می آید یکدفعه بدلتن حظور می کند که

امان از دوغ لبلی ماستش کم بود آتش خبلی مقصود در اینجاها نیست . مقصود در اینجاست که این مثل در اینهمه مواقع سائراست و در اینقدر از جاها که گفتیم و هزاران جای دیگر که همه بهتر از من مسبقه استعمال میشود در صورتیکه فصاحت و بلاغت دارد و نه وزن و قافیه درست . درحالیکه علمای فن میگویند که ارسال المثل و ارسال المثلین عبارت از استعمال عبارتی است که بواسطه کمال فصاحت گوینده در حکم مثل سائر شده و در السنه عوام و خواص افتاده است .

﴿ دخو ﴾

﴿ مکتوب از بطروسکی داغستان ۲۰ ذیحجه ۱۳۲۵ ﴾

بجمال قبل ازینکه دولتمن ایران و روس بخلاف عهدنامه ( ترکان جای ) یک فصل جدیدی بجهت عدم دخول اسلحه و ادوات حربیه در ایرنا بر آن افزوده و جدأ ورود آنگونه آلات را قدغن نموده اند همه روزه رؤسای گمرکهای داخله بدون استئنا ( سواى اشخاصی را که سلطنت امتیاز مبداد ) فننگ و فننگ و ( رولو ) و قه های مسافری را گرفته جریمه مینمایند . ولی از سایر نقاط دیگر سرحدات متصل ( ببردانگه ) شش لول و فننگ وارد میکنند و شاهد مدعی دکان اسلحه فروشی شهرهای ایرانست که نلوا از آن آلات ممنوعه است . و همه کس هم میداند که آنها را از خارجه آورده اند . غرض اینستکه هر ایرانی بیچاره بعد از سالها زحمت کربت و غربت پنجاهی اندوخته و در عودت بوطن برای حفظ جان و مال خود از شر اشرار و دزدهای روسیه و ایران یک رولو یا قه کهنه و نوی همراه داشته باشد در گمرکخانه ایران باید باجرمانه قدیمی قدیم نموده و بعد در عرض راه دزدان خون خوار او را لحت کرده و مجدأ لوت و عریان بروسیه هجرت نماید و مادام العمر بملذلت بگذراند و آرزوی اهل و دیار را بگور ببرد ! !

ای پیشوایان اسلام ؟ ای حافظین آئین احمدی ( ص ) ؟ ای حجتین آئین ای آقای بهمانی ؟ ای آقای طباطبائی

؟ ای امنای سی کرور نفوس ایرانی ؟ آیا اسلحه دفاعیه برای مسلمانان حرمت دارد ؟ آیا باید با مسلمین اینگونه رفتار نمایند ؟ اگر داشتن سلاح بجهت تدبیرین دین خاتم النبیین حرام است و مخالف با شریعت غراست صریحاً بیان فرمائید ؟ چاره این بی اعتدالی را ما از آن ذوات مقدسه میخواهیم و آنچه را که صلاح فلاح دولت و ملت است آن را خواستگاریم .

﴿ محمد جعفر خامنه بطروسکی داغستانی ﴾

﴿ اعلان از کرمان ﴾

خدمت ذیشرافت محرکین سارقین پست عرض میشود . مصالحه نامه املاک و مستقالات ( خانه واقع در کرمان یکپاب ، ده شهبخ زرند سه دانک ، همت آباد حومه کرمان یکدانک ، مپاه بعلی آباد سر آسباب سیزده دانک ، دکان کین کلاتری و بازار شاه ده باب ) مرحومه بی بی فاطمه صیده کلاتر کرمان به آقا سید نصرالله خالوی خود مهور به مهر علمای اعلام و حکم هایونی . با مصالحه نامه حاج میرزا حسن خان طیب بی که تمام مطالبات خود را ( در ۲۹ جمادی الاولی ۱۳۲۵ ) به جناب مستطاب شهبخ محمود افضل الملک کرمانی به مبلغ هزار تومان واگذار نموده با احکام شرعیه آن ( مرسوله ۲۲ ذیقعد ۱۳۲۵ ) که در بین نائین و اسفهان از قرار سند پستخانه ملفوفه را شکافته و نوشتجات را برده ( و پس از یکمخته باقی محتویات آنرا از پستخانه طهران فرستاده اند ) مستدعی است بجناب مستطاب بحر العلوم و کهل محترم علمای کرمان داده پنجاه تومان مشعلق دریافت نمایند و ابدأ هم ایرادو بحثی بر آنها نیست . سواد معتبر آنها نیز نزد جناب بحر العلوم ارسال شد .

﴿ اعلان ﴾

یک کبف چرمی قرمز رنگ بدون اسکناس و برات که محتوی بعضی نوشتجات و اسناد بوده در هتم محرم هر کس در تکبته رضاقلیخان پیدا کرده است بیاورد در همان تکبته و به آقا محمد حسین عطار داده بکتومان . ژدگانی بگردد .